

در حاشیه یک رویداد ...

(پخش ماهی سیاه کوچولو ی صمد بهرنگی در پارک لاله تهران!)

ماجرای پخش هزار ماهی سیاه کوچولو در آستانه نوروز امسال به همراه برگه های حاوی یک متن کوتاه و شعری از شفیعی کدکنی ابتکار بسیار جالب مبارزاتی ای بود که توسط جمعی از دانشجویان تهران در قالب ارائه "هنر اعتراضی" در پارک لاله تهران به خرج داده شد و مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفت. به همراه هر یک از این ماهی ها، قطعه شعر زیبایی با مضمون ".... آنچه می خواهیم نمی بینم ، آنچه می بینم نمی خواهیم..." در اختیار مردم قرار می گرفت که به گویا ترین وجهی بیانگر نارضایتی از وضع موجود یعنی شرایط بسیار ظالمانه حاکم بر جامعه ایران و پیام آور مبارزه و مقاومت پایان ناپذیر توده های تحت ستمی ست که سالهاست در اشکال و سطوح مختلف بر علیه دیکتاتوری قدر قدرت و ضد خلقی حاکم شوریده اند و در هر فرصتی فریاد می زنند که این دستگاه استبداد و ظلم و زور حاکم و نظام اقتصادی- اجتماعی ضد خلقی کنونی با تمامی تجلیات ارتجاعی اش را هیچ گاه نخواسته و "نمی خواهند". ماهی های سیاه کوچولویی که در این روز پخش شدند نماد همان ماهی سیاه کوچولو خنجر به دستی بودند که با برخورداری از آگاهی والای مبارزاتی و با سلاح قهر برای برکندن بساط ظلم و ستم و استثمار و سرکوب و هر گونه قهر و خشونت بر علیه توده ها از جویبار کوچک محل زندگی خود برای رسیدن به دریاها سفر طولانی اش را آغاز کرد. به این ترتیب و با این اقدام سمبلیک، دانشجویان نوروز امسال را نیز به فرصتی برای نمایش اوج تنفر توده های تحت ستم بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بدل ساخته و نشان دادند که چگونه امید به "نوروز" واقعی یعنی روزگار نوینی که در آن نه از رژیم دیکتاتوری حاکم و نه از آن نظام استثمارگرانه و سرکوبگری که توجیه گر بقای این رژیم هاست، یعنی سیستم سرمایه داری وابسته حاکم بر جامعه ایران خبری نباشد در دل و جان مردم مبارز و بویژه جوانان آگاه ما زبانه می کشد. ارزش اقدام نمادین دانشجویان بویژه زمانی خود را بیشتر می نمایند که آن را در چارچوب شرایط عمومی ملت‌هپی در نظر گیریم که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در جامعه تحت سلطه ما با آن روبروست.

ادامه در صفحه ۲

معنی بهار "زیبا و بانشاط" احمدی نژاد برای توده های تحت ستم!

تحت حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته و زمامداری دولت ضد خلقی احمدی نژاد و در شرایطی که زندگی میلیونها تن از کارگران و توده های تحت ستم ما هر روز بیشتر در زیر چرخ دنده بیکاری و گرانی و تورم و ... خرد می شود، اخیرا اعلام شد که در پایان سال ۸۶ مجموع درآمدهای نفتی رژیم جمهوری اسلامی به رقم بی سابقه ۸۰ میلیارد دلار رسیده است. رئیس جمهور رژیم با اعلام این خبر در اولین جلسه هیات دولت خود درسال جدید با بیشرمی تمام در ارتباط با اوضاع اقتصادی حکومت مدعی شد که آغاز سال جدید بسیار "زیبا و بانشاط" بوده است.

این سخنان وقیحانه در شرایطی از دهان رئیس جمهور رژیم بیرون می آید که میلیونها تن از کارگران در ابتدای سال با اعلام خبر تصویب حد اقل دستمزد ۲۱۹ هزار تومانی در ماه در تشویش از آینده نامعلوم خود و خانواده هایشان در غم و نگرانی هر چه بیشتری فرو رفتند.

ادامه در صفحه ۴

گسترش هزینه های نظامی با کدام هدف؟!

آمار نجومی ای که اخیرا در ارتباط با هزینه های نظامی دول امپریالیستی در سطح جهان و در راس آنها آمریکا منتشر شده، بار دیگر نشان می دهد که در سالهای اخیر نظام گنبدیده سرمایه داری در حالیکه با موج دیگری از بحرانهای اقتصادی وحشتناک خود روبرو شده چگونه با سرعتی سرسام آور در حال گسترش ماشین جنگ و سرکوب خود در سراسر جهان بر علیه کارگران و خلقهای تحت ستم می باشد.

مطابق ارقامی که توسط موسسه "Global Security" انتشار یافته و در لوموند دیپلماتیک به چاپ رسیده بودجه ای که هم اکنون دولتهای "معظم" سرمایه داری برغم تمامی مشکلات وحشتناک اقتصادی مردم خود تنها در یک سال به هزینه های نظامی اختصاص داده اند به رقم بی سابقه ۱۱۰۰ میلیارد دلار در سال بالغ گشته است. سهم دولت آمریکا به تنهایی از این رقم حدود ۶۲۳ میلیارد دلار است. به عبارت ساده تر پولی که صرف تقویت زرادخانه نظامی آمریکا می شود حدود صد و بیست میلیارد دلار هم از مجموع تمامی هزینه های نظامی مابقی کشورهای دنیا بیشتر می باشد.

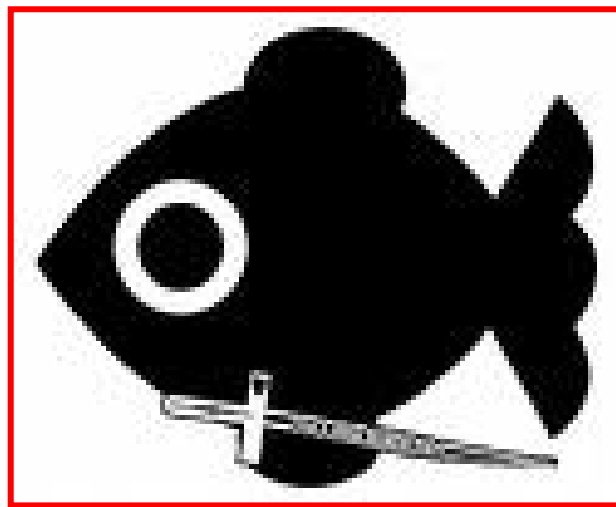
ادامه در صفحه ۳



شرایطی که بر بستر آن ما شاهد اعتراضات و برآمدهای توده ای می باشیم که هر روز در قالب اعتراضات کارگری و دانشجویی و زنان و ملتهای تحت ستم از گوشه ای سر بر می آورد و نظام و رژیم ضد خلقی موجود را به چالش می کشد. در چنین شرایطی رجوع به سیمبلیهای تاریخی که نام ماهی سیاه کوچولو آنها را با خود دارد، انعکاس گرایش عمومی قوی در میان مردم ما به تفکر و راهی ست که نابودی و بر افکندن تمامی تجلیات ارتجاعی و سرکوبگرانه نظام دیکتاتوری حاکم بر حیات هستی توده ها را هدف خود قرار داده است.

واقعیت این است که برای چندین دهه، ماهی سیاه کوچولوی مسلح و خالق آن یعنی صمد بهرنگی، این نویسنده چیره دست و مبارز بزرگ، انسان والایی که همواره از او به عنوان آموزگار کبیر و دوست غمخوار و فدائی توده های زحمتکش نام برده شده است، به عنوان بخش جدایی ناپذیری از تاریخ مبارزاتی کارگران و خلقهای تحت ستم ما شناخته شده اند. چرا که چگونگی زندگی و مرگ ماهی سیاه کوچولو و نویسنده آن به اعتراف دوستان و حتی دشمنان خلق تاثیرات ژرف و جاودانه ای بر زندگی بیش از سه نسل از جوانان در جامعه تحت سلطه ما گذارده است.

داستان زندگی کوتاه ولی شجاعانه ماهی سیاه کوچولو تصویر یکی از سیاهترین و در عین حال امید بخش ترین دوره های زندگی توده های تحت ستم و مبارز ما در زیر حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم شاه است. شرایطی که در جامعه تحت سلطه ما پس از یک دوره طولانی سیاه سرکوب و خفقان، بار دیگر جوانه های یک جنبش اصیل و انقلابی شروع به رشد کرد و جمعی از صدیق ترین فرزندان کارگران و



زحمتکشان ایران یعنی چریکهای فدایی خلق با اتکا به تئوری مارکسیست لنینیستی خود و با الهام از ماهی سیاه کوچولوی عصیان گر، پرچم حرکتی جدید و مبارزه ای نوین و انقلابی را بر افراشتند. مبارزه ای که در روند خود افسانه قدر قدرتی مرغان ماهیخوار یعنی رژیم شاه را در هم شکست و به نقطه امید خلقهای تحت ستم ما و سرانجام با پیوستن آنها به این مبارزه به تکیه گاه آنها در مقابل دشمن تبدیل شد.

در داستان درخشان صمد بهرنگی ماهی سیاه کوچولوی مخلوق او، برغم خرد بودن خود و برغم تمامی توصیه های پوچ "عاقلان" ساکن مرداب، راه پر پیچ و خم دریا را در پیش گرفت، تجربه ها اندوخت و مشعل آگاهی را در دل امواج خروشان دریا حمل کرده و راه را نشان داد. در عرصه جامعه تحت سلطه و پرتلاطم ما نیز مبارزه چریکهای فدایی خلق یعنی یاران صمد بهرنگی برغم تمامی تلاش های مذبوحانه دشمن تا بن دندان مسلح و وحشی از یک سو و اشک تمساح ریختن های فرصت طلبان و دوستان نادان خلق ادامه یافت و با تداوم خویش برای مردم تحت ستم راه گشود و سیل مبارزات آنان در جامعه را جاری ساخت و افق جدیدی را در مقابل آنها قرار داد. برای ماهی سیاه شجاع کوچولو در راهی که برای رسیدن به آزادی و حق تعیین سرنوشت خویش برگزیده بود "مرگ" خود او مهم نبود مهم این بود که مرگ او چه "تاثیری" بر "زندگی" و مرگ دیگران بگذارد. برای چریکهای فدایی خلق نیز نابودی فیزیکی خود مهم نبود چرا که ایمان داشتند که مبارزه و راهی که توسط آنها به توده ها نشان داده شده بود، بدون شک با رهروان پوینده نوینی پر می شد و پیام مبارزاتی آنان به خاطر آن که در جهت پیشرفت تاریخ بود در اعماق جامعه تکرار می شد.

ماهی سیاه کوچولوی شجاع صمد سرانجام و برغم آن که جاننش را در این راه گذاشت به دریا رسید. مبارزه چریکهای فدایی خلق نیز با پیوند خوردن با نیروی بیکران توده های به پا خاسته به قیام شکوهمند توده ای و برافزاندن بساط ظلم و زور شاه مزدور منجر شد. هرچند که این قیام خود بخودی بود و اهداف انقلابی چریکهای فدائی خلق در طی آن متحقق نشد. به هر حال در این قیام توده ای بود که یاد و راه ماهی سیاه کوچولوی بیباک و خالق آن یعنی صمد بهرنگی و یاران صمد یعنی چریکهای فدایی خلق ایران برای همیشه در تاریخ درخشان مبارزاتی کارگران و توده های ستمدیده ما حک شد و آنها در صفوف میلیونی فریاد می زدند "صمد معلم ماست، راه صمد راه ماست"، "فدائی، فدایی تو افتخار مایی" و "ایران را سراسر سیاهکل می کنیم" و...

(۱) اشاره به استعاره زیبای احمد شاملو، شاعر نامدار در توصیف صمد بهرنگی، یار و آموزگار توده های ستمدیده.

به این ترتیب صمد و ماهی سیاه کوچولو ی شجاع به عنوان بخشی از تاریخ مبارزاتی مردم ما در صفحات درخشان این مبارزات جای گرفتند و به همین اعتبار مورد خشم و نفرت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و تمامی مترجمین رنگارنگ قرار گرفتند و در یورش جدید و بی رحمانه ای که ضد انقلاب جدید یعنی رژیم مزدور جمهوری اسلامی از همان ابتدای قیام به جنبش انقلابی توده های به پا خاسته و تمامی مظاهر و سیمبلیهای آن سازمان داد، صمد و افکار او، ماهی سیاه کوچولوی و هر آنچه که نشانی از مبارزه جویی بر علیه ستم و سرکوب، آزادخواهی و مخالفت با استثمار و بهره کشی داشت توسط دیکتاتوری حاکم با کینه ای هر چه تمامتر مورد سرکوب و تعقیب و اتهام قرار گرفتند. در طول این مدت دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی با کینه توزی تمام و با استفاده از تمام شیوه های شناخته شده و ضد مردمی و با بهره گیری از قلم مسموم و ضد انقلابی کاربدستان رسمی و غیر رسمی خود، با اتهام زنی و دروغ پردازی در مورد چگونگی مرگ مشکوک صمد و ... مذبوحانه کوشید تا چهره صمد، یاران صمد و تمامی رهروان ماهی سیاه کوچولو را در ذهن نسل جوان مخدوش کرده و خاطره آنها را از ذهن توده ها و بویژه کودکان و نوجوانان و جوانان مبارزی که ماهی سیاه کوچولو الهام بخش آنان بوده و می باشد بزداید. اما زهی خیال باطل! چرا که اندیشه های پویای صمد و آرمانهای انقلابی مخلوق او یعنی ماهی سیاه کوچولو ریشه در مناسبات استثمارگرانه و ضد خلقی ای دارد که در اعماق جامعه تحت سلطه ما جریان دارد و هر روز حیات و هستی تعداد بیشتری از توده های محروم و بویژه کارگران تحت ستم را در جهنم خود می سوزاند و به همین اعتبار بر کوره شعله های خشم و نفرت مردم و مبارزات آنان برای برافکندن این مناسبات ضد خلقی می دم. نازمانی که چنین نظام و مناسبات ضد خلقی ای پابرجاست، هزاران ماهی سیاه کوچولو نیز دور از چشم استثمارگران و مشاطه گران آنها مخفیانه و در دل شب در اندیشه یافتن دریا قدم به راه می گذارند. این برجسته ترین پیامی ست که در ماورای ابتکار پخش هزار ماهی سیاه کوچولو توسط جوانان مبارز در آستانه نوروز امسال شاهدش بودیم. ای کاش شاعر برجسته، احمد شاملو بود و می دید که صمد این "هیولای تعهد" همانگونه که او آرزو کرده بود: "هزار سر دارد!" (۱)



بحرانهای علاج ناپذیر در بین راهزنان بین المللی برای تامین سرکردگی و اعمال هژمونی شان در سطح جهانی شکل گرفته است. و نتایج خانه خراب کن این رقابت استثمار گرانه در سالهای اخیر نیز هرچه بیشتر حیات و هستی توده های زحمتکش سراسر جهان را بطور مستقیم و غیر مستقیم در آتش خود سوزانده است. در نتیجه افزایش سهمگین هزینه های نظامی در میان امپریالیستها و بویژه در رابطه با دولت آمریکا را باید در متن این شرایط بررسی کرد و فهمید.

همه می دانند که دولتمردان آمریکا و طبقه حاکم در این کشور از اواخر دهه ۹۰ با تنظیم سندی به نام "پروژه قرن آمریکایی جدید" پیشبرد استراتژی ای که دولت آمریکا باید در یک قرن آینده در ارتباط با سیاستهای خود در سطح جهانی به پیش برد را بطور رسمی در محور وظایف خود قرار دادند. نگاهی به ارکان اصلی این سند نشان می دهد که تنظیم کنندگان "پروژه قرن آمریکایی جدید" هدف اصلی از تنظیم این سند را از جمله "تأمین برتری جهانی ایالات متحده، و اتخاذ تمهیداتی در جهت جلوگیری از بوجود آمدن یک قدرت بین المللی رقیب دیگر و نیز شکل دادن نظام امنیت بین المللی بگونه ای که همسو با اصول و منافع امنیت ایالات متحده باشد" با استفاده از "قدرت نظامی آمریکا" می دانند. در مقدمه این سند تأکید شده که هدف این استراتژی جدید ایالات متحده "آینده های بسیار دور" و "مبارزه بی امان برای کسب پیروزی همه جانبه و نهائی در همه عرصه ها" است. در این سند "استقرار و سلطه بی چون و چرای نیروهای آمریکائی" و گسترش حضور آنان در مناطق استراتژیک اقتصادی و نظامی از آسیای جنوب شرقی گرفته تا خاورمیانه و شمال آفریقا، استفاده از "سلاحهای بیولوژیکی"، "تأمین برتری در "فضا" برای کنترل جهان، برانداختن رژیم صدام برای تامین حضور مستقیم نیروهای نظامی آمریکا در این منطقه و مجموعه متنوع دیگری از اقداماتی پیش بینی شده است که همگی با تأکید بر استفاده از زور و جنگ طرح ریزی شده اند. جالب است که بدانیم که دو سال قبل از حمله به عراق در این سند بر این ضرورت تأکید شده است.

در این سند با اذعان به ضعف اقتصادی آمریکا و در عین حال برتری نظامی این قدرت در مقایسه با سایر رقبای بین المللی، مطرح می شود که تنها راه جلوگیری از "زوال" و اضمحلال قدرت آمریکا در سطح جهانی تقویت و استفاده از برتری نظامی برای کسب بازارها و مناطق تحت نفوذ بیشتر در سطح بین المللی است.

با توجه به این واقعیات است که اولاً می توان به دلایل اصلی عربده کشی های جنگ طلبانه و لشکرکشی های تجاوزکارانه آمریکا در سالهای اخیر به افغانستان و عراق و ... و تهدیدات جنگی این دولت بر علیه سایر کشورها و حتی شماری از رژیمهای دست نشانده خود آمریکا پی برد و یوچ بودن فریاد های دمکراسی طلبی و آزادیخواهی این دولت را بهتر و بیشتر فهمید؛ و ثانیاً درک کرد که چرا دولت آمریکا و به تبع آن و بصورتی ناگزیر سایر شرکا و رقبای این قدرت یعنی سایر راهزنان بین المللی با چنین سرعت فزاینده ای در سالهای اخیر در حال ترمیم و توسعه ماشین جنگ و جنایت خود آنها به قیمت تشدید فقر و فاقه توده های ستمدیده می باشند.

مقایسه آمار نجومی مربوط به هزینه های نظامی در جهان کنونی با سطح مشکلات وحشتناک حاکم بر زندگی میلیاردها تن از کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم بروشنی نشان می دهد که چگونه با اختصاص حتی بخش بسیار کوچکی از این ارقام سرسام آور (که اساساً خود حاصل کار و زحمت توده های استثمار شونده می باشد که توسط سرمایه داران استثمارگر این اقلیت مفت خور و جنایتکار ربوده شده است) می توان بخشی از مشکلات جانکاه اقتصادی و رفاهی بشریت در سراسر کره خاکی را برای مدتی بر انداخت. اما مساله اصلی در همین جا است که تازمانی که سلطه امپریالیستها و نظام استثمارگرانه سرمایه داری در جهان باقی ست به قول لنین اندیشمند کبیر طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده، اعمال "قهر" و "جنگ" نیز به صورت فزاینده ای مرکز ثقل "راه حل" سرمایه داری برای غلبه بر بحرانهای علاج ناپذیر نظام و محور سیاستهای دول معظم سرمایه داری را تشکیل خواهد داد. واقعیت این است که یافتن هر گونه راه حل دمکراتیک برای محو جنگ و خونریزی و تمامی تجلیات وحشتناک آن در درجه اول منوط به نابودی و در هم شکستن نظام سرمایه داری در سطح جهان و برقراری نظامی عاری از ستم و استثمار می باشد که در آن جنگ و ایجاد و گسترش ماشین های غول آسای نظامی و اساساً اعمال زور و قهر دلایل مادی و ضرورت وجودی خود را از دست داده باشند. به اعتبار این حقیقت، تشدید جنگ طلبی امپریالیستها در سطح بین المللی نشانگر تشدید بحران و استیصال آنان است و این واقعیت در تمامی گیتی، توده های عاصی و بیجان آمده را با بانگی صولتمند به امر انقلاب اجتماعی برای در هم شکستن تمامی این سیستم ناعادلانه و ضد خلقی فرا می خواند.

بدنبال آمریکا چین و روسیه قرار دارند که هزینه های نظامی آنان هر کدام به ترتیب ۶۵ و ۵۰ میلیارد دلار اعلام شده و پس از این دو، فرانسه و انگلیس به ترتیب ۴۵ و ۲۲/۸ میلیارد دلار در مقامهای چهارم و پنجم قرار دارند. یک حساب سرانگشتی نشان می دهد که ۵ دولت قدرتمند امپریالیستی در مجموع ۸۲۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار در سال تنها و تنها صرف ماشینهای جنگی خود می کنند که در تمام کره خاکی وظیفه ای جز تأمین منافع و سلطه استثمارگرانه امپریالیستها بر علیه کارگران و خلقهای تحت ستم و به این اعتبار جنگ افروزی و ماجراجویی های نظامی و تجاوز و کشتار توده های رنج دیده و نابودی منابع و ثروتهای طبیعی آنان ندارد.

بدون شک مهمترین بازیگر حاضر در مسابقه جنون آمیز تسلیحاتی که آمار فوق تنها یک جنبه آن را نشان می دهد دولت آمریکاست. هم اکنون به تنهایی ۶۳۲ میلیارد دلار یعنی خیلی بیشتر از تمامی دولتهای دیگر دنیا صرف تقویت ماشین جنگی خود و موسسات مربوط به آن می کند و این درحالی ست که این کشور به گزارش خبرگزاریهای خود آمریکا، مقروض ترین کشور دنیاست.

مطابق آمار موسسه فوق الذکر هزینه های نظامی آمریکا در هفت سال گذشته یعنی از تقریباً سالهای اول قرن بیست و یکم بشدت افزایش پیدا کرده و در این میان لشکرکشی به افغانستان و عراق به طور برجسته ای در این افزایش سرسام آور هزینه های نظامی نقش ایفا کرده اند. گرچه مقامات آمریکایی با پیشروی تمام می کوشند تا هدف از گسترش و تقویت جنون آمیز ماشین جنگ و جنایت و لشکرکشی های تجاوزکارانه شان را با الفاظ دهان پرکنی چون "مبارزه با تروریسم" و "گسترش دمکراسی" و "صلح و ثبات" در جهان پنهان کنند، اما نگاهی به ادعاهای دروغین و عملکردهای جنایتکارانه آنها از یک سو و نتایج این باصطلاح مبارزه بانتروریسم و گسترش دمکراسی و ... نشان می دهد که اصولاً توسل بی سابقه به اعمال زور و نظامی گری نه حاصل آزادیخواهی و دمکراسی طلبی و ترقی خواهی گردانندگان نظام امپریالیستی در آمریکا بلکه انعکاس تشدید بحرانها نظام سرمایه داری و رقابت سبعمانه ای ست که بر بستر این

معنی بهار ... ادامه از صفحه ۴

هر چه بیشتر رشد کرد. اوضاع وخیم و وخیمتر شونده شرایط زندگی توده های تحت ستم ما در شرایط سرازیر شدن سیل بی سابقه دلارهای نفتی در سال گذشته، بیش از پیش از چگونگی کارکرد و ماهیت ضد خلقی نظام اقتصادی حاکم بر ایران یعنی نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم پرده بر می دارد. یک اقتصاد طفیلی و وابسته و متکی به درآمدهای نفتی (تک محصولی) که بخش اعظم ارز حاصل از فروش نفت را واردات کالاهای مصرفی می بلعد و تمامی کارکرد آن نیز در جهت تأمین منافع امپریالیستهای غارتگر و سرکوبگران وابسته به آنان یعنی گردانندگان این نظام دیکتاتوری تنظیم شده است. این معنای بهار "زبیا" و "برنشاط" برای رییس جمهور چنین نظام ضد مردمی ای می باشد.



و عید میلیونها تن دیگر از زحمتکشان، کارمندان و معلمان صاحبان مشاغل کوچک با مشاهده رشد وحشتناک گرانی در آغاز سال جدید، هر چه بیشتر با ماتم و شرمندگی ناشی از عدم توانایی در تامین حد اقل نیازهای زندگی خانواده گره خورد.

از سوی دیگر اما، "بهشتی" که جمهوری اسلامی ضد خلقی در شرایط استثمارگرانه موجود و البته در روی "زمین" برای مشتبی از سرمایه داران زالو صفت وابسته، کارفرمایان و تجار وابسته به دولت و ریزه خواران آنان فراهم کرده، باعث فریه تر شدن هر چه بیشتر آنان شد و مجموعه این اوضاع تصویر واقعی وحشتناک جامعه تحت سلطه ما را هر چه بیشتر در انظار عمومی به نمایش گذارد.

احمدی نژاد مزدور در شرایطی از "زیبایی و" و با نشاطی "اقتصاد دم می زند که افزوده شدن میلیاردها دلار بر درآمدهای نفتی دولت یعنی بخشی از منابع طبیعی متعلق به جامعه بهبودی را در توانایی اقتصادی و در نتیجه در زندگی اکثریت مطلق آحاد جامعه ما بوجود نیآورده است. بر عکس به دلیل وابستگی این نظام استثمارگرانه افزایش سریع درآمدهای نفتی به طور همزمان به سیل وحشتناک و بی رویه کالاهای وارداتی ای در کشور تبدیل شده که نه تنها کوچکترین گرهی از زندگی مردم را باز نکرده بلکه به نابودی کار و معاش بسیاری از زحمتکشان، کشاورزان خرده پا و صاحبان مشاغل تولیدی کوچک و ... منجر شده که محصول آنان قدرت رقابت با کالاهای وارداتی دولت و یا فلان آقازاده و تاجر وابسته به دولت و ... را ندارد. در حقیقت مطابق آمار منتشره حکومتی در شرایطی که درآمدهای نفتی در سال گذشته ۸۰ میلیارد دلار بوده سه چهارم این مبلغ یعنی ۶۰ میلیارد دلار مستقیماً به واردات بی رویه کالا اختصاص داده شده که منافع و عواید حاصل از آن در نهایت به جیب سرمایه داران داخلی و اربابان بین المللی آنها یعنی انحصارات و دول امپریالیستی ریخته شده است. امری که باعث تشدید بحران اقتصادی و تعطیلی صدها واحد صنعتی و تولیدی و در نتیجه بیکاری و آواره شدن هزاران تن دیگر از کارگران و کارمندان در سطح کشور شد؛ ناجایی که بیکاری مطابق برخی آمار غیر رسمی به ۲۵ درصد رسید و در ارتباط با تورم سه رقمی در جامعه و "عواقب" مرگبار آن نیز از سوی برخی کارگزاران این رژیم اظهار نگرانی شد.

در بهار "زیبا" و "پر نشاط" احمدی نژاد مزدور و سایر سران جمهوری اسلامی ما شاهدیم که در سال گذشته نیز در زیر سایه سیاه حاکمیت جمهوری اسلامی روند فقر و فاقه و بیکاری توده های زحمتکش هر چه بیشتر رشد کرد، کارگران زحمتکش در ابعاد فزاینده تری اخراج شده و بی حقوق و بی پناه در سطح جامعه رها شدند و با تشدید شکاف طبقاتی، اضمحلال اقتصادی و گرسنگی در میان طبقات فقیر و بی چیز روند در هم پاشی خانواده های کارگر و زحمتکش و پدیده های زشت و نفرت انگیز حاصل از آن یعنی کارتن خوابی، کودکان اشغال فروش که به گزارش یونیسف تعداد آنها بین ۴۰۰ هزار تا یک میلیون نفر می باشد، فحشاء، اعتیاد و ... نیز

ادامه در صفحه ۳

گوشه ای از عواقب مرگبار سیاست های جنگ طلبانه

امپریالیسم آمریکا!

مطابق گزارشات وزارت دفاع دولت آمریکا در جریان جنگ و اشغال عراق و افغانستان ۷۰ هزار تن از نیروهای ارتش این کشور شنوایی خود را از دست داده اند و از این تعداد نیز ۵۰ هزار نفر به طور دائمی و کاملاً ناشنوا شده اند. در طول جنگ عراق همچنین ۴۰۰۰ تن از سربازان آمریکایی کشته شده و ۶۰ هزار تن از نیروهای متجاوز زخمی گشته اند. آمار منتشره همچنین بیانگر آن می باشد که از زمان تشدید سیاستهای جنگ طلبانه آمریکا در سطح بین المللی و بویژه در منطقه خاورمیانه در مجموع یک میلیون و سیصد هزار تن از نیروهای آمریکایی به عراق و افغانستان گسیل شده اند. آمار فوق گوشه ای از وسعت تحرکات ماشین نظامی آمریکا در سالهای اخیر را نشان داده و گویای اهداف بلند مدت و استراتژیکی ست که امپریالیسم آمریکا با تقویت و فعال کردن بی سابقه زرادخانه جنگی و نیروهایش در جهت تحقق منافع جهانخوارانه خویش به پیش می برد.

از سوی دیگر همزمان با فرارسیدن پنجمین سالگرد اشغال عراق توسط دولت آمریکا و تمرکز رسانه های تبلیغاتی بر اخبار وحشتناک مربوط به خسارتهای مادی و معنوی این جنگ ضد خلقی اعلام شده است که بیش از یک میلیون صد و هفتاد و چهار هزار نفر از توده های محروم و بیگناه عراقی توسط ارتش آمریکا زیر نام مبارزه با "تروریسم" و برقراری "دمکراسی" سلاخی شده اند. ۴ میلیون آواره و صدها هزار زخمی نیز از دیگر تجلیات و عواقب لشکرکشی جنایتکارانه آمریکا در اشغال عراق بوده است. جنگ عراق در حالی که به قیمت نابودی حیات و هستی میلیونها تن از توده های رنجبر عراقی بر رونق صنایع نظامی و صاحبان آنها افزوده، بطور متوسط برای هر خانواده آمریکایی ۴۱۰۰ دلار هزینه در بر داشته است.

وتوی لایحه ممنوعیت شکنجه توسط دولت بوش!

در شرایطی که با افشای گوشه ای از جنایات ارتش آمریکا در کشتار و شکنجه مردم عراق و افغانستان در سالهای اخیر، کوس رسوایی دولت بوش در افکار بین المللی و در داخل خود آمریکا هر چه وسیعتر به صدا درآمده است، رئیس جمهور آمریکا اخیراً در جریان یک اقدام رسوا لایحه "ممنوعیت شکنجه" توسط سازمان سیا که در اخیراً برای جلوگیری از گسترش بی آبرویی امپریالیسم آمریکا در سطح بین المللی در مجلسین سنا و نمایندگان آمریکا تصویب شده بود را وتو کرد. این اقدام برغم آن صورت گرفت که در ماه های اخیر بر ابعاد گزارشات مربوط به شکنجه وحشیانه قربانیانی که توسط ارتش و دستگاه های اطلاعاتی آمریکا در این کشور و سایر کشورها دستگیر شده و به سیاهچالهای رسمی و غیر رسمی سیا در اقصی نقاط دنیا انتقال می یابند افزوده شده و این واقعیت خشم و نفرت مردم در سراسر جهان نسبت به امپریالیسم آمریکا و دولت بوش را هر چه بیشتر بر انگیخته است.

بوش در توجیه اقدام ضد خلقی خود مبنی بر وتوی لایحه ممنوعیت شکنجه، بیشترمانه عنوان کرد که: "این لایحه موجب می شد من یکی از ارزشمندترین ابزارهای خود را در جنگ با تروریسم از دست بدهم و سیا در بازجویی از تروریستها با محدودیت هائی روبرو شود." شایان ذکر است که در طول سالهای اخیر شمار بسیار زیادی از مخالفین سیاستهای جنگ طلبانه و سلطه جویانه آمریکا زیر نام "تروریست" دستگیر شده اند و به شدیدترین وجهی تحت شکنجه های وحشیانه از قبیل بیخوابی، شوک الکتریکی، تجاوز جنسی، سوزاندن با سیگار و خفگی در آب و ... قرار گرفته اند. ابعاد اعمال جنایتکارانه سازمان سیا در "ابوغریب"، "گوانتانامو" و .. آن چنان رسوائی به بار آورده که مجلس آمریکا را مجبور به تصویب چنین لایحه ای نموده است لایحه ای که سرانجام رئیس جمهور آمریکا آنرا وتو نمود.

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.siahkal.com>

<http://www.fadaee.org>

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه رفیق اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

0044-7946494034

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران:

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

ipfq@hotmail.com

نشانی پست الکترونیک:

زنده باد کمونیزم! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! پیروز باد انقلاب!

